

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

دیپلوم انجنیر خلیل الله معروفی

برلین، ۲۹ دسمبر ۲۰۰۹

به کهنه خود بساز که نو دیگران گران است

وجوه تمایز و تفارق دری افغانستان و فارسی ایران

(بخش هفتم)

یای مجهول و واو مجهول

مقاله ای را که به تاریخ ۲ اکتوبر ۲۰۰۷ زیر عنوان "یای مجهول و واو مجهول" در پورتال "افغان جرمن آنلاین" نشر کرده بودم، با تجدید نظر لازم و با ایزادات، اضافات و شروح کافی، به حیث قسمت هفتم این سلسله تقدیم مینمایم:

دیپلوم انجنیر خلیل الله معروفی

برلین، دوم اکتوبر ۲۰۰۷

یای مجهول و واو مجهول

این نوشته که به تاریخ ۱۳ جنوری ۲۰۰۷ یادداشت گردیده و به طاق نسیان سپرده شده بود، "قضافلکی" (۱) کشف گردید و حیث دانستم که آنرا در امتداد سلسله گفتار «وجوه تمایز و تفارق دری افغانستان و فارسی ایران» تقدیم علاقه مندان فارسی و دری نکند.

در این قسمت باز گوشه ای دیگر از تفاوت‌های دری افغانستان و فارسی ایران نشان داده میشود. هدف از ارائه این سلسله رد ادعای سست بنیاد و بی اساس کسانیت، که میگویند "فارسی فارسیست، در هر کجا که باشد!!!!!!" این سلسله ادامه دارد و ضمن هر بخش، قسمتی از این تفاوتها و افتراقات مجسم ساخته میشود. بدون تردید، وقتی این گفتار، که دنباله دراز دارد، به آخر برسد، مجموعه ای بدست خواهد آمد، گویا و همه فهم، که در کلیت پیکره هر دو لهجه زبان دری را در افغانستان و ایران مجسم خواهد گردانید. و مجسم خواهد گردانید، که دری افغانستان تا چه حد وفادار به اصل و در امان از ابتدال مانده است!!!!!!

در این بخش گذری میکنیم به دو "یاء" و دو "واو"؛ یکی "معروف" و دیگری "مجهول". چنان که می دانیم، در زبان "دری افغانستان" دو قسم "یاء" و دو قسم "واو" داریم؛ "یای معروف و مجهول" و "واو معروف و مجهول".

- "یای معروف" :

که صریح و شدید تلفظ میگردد؛ مثلاً در کلمات "تیر، امیر، خمیر، حقیر، عمید، جبین، تولید، توحید، بیم، ریم، ندیم، نسیم، شمیم، یتیم، عندلیب، عید، دید، پلید، رسید، کشید، نالید، رمیدن، جویدن، شنیدن، سی، سهی، تهی، کریم، رحیم، رجیم، عظیم، لئیم، کثیف، شریف، نجیب، حلیم، خبیر، جبیره، لیب، عشیق و غیره". چنانکه درین مثالهای فراوان می بینیم، کلمات "امیر، خمیر، حقیر، عمید، جبین، تولید، توحید، ندیم، نسیم، شمیم، یتیم، عندلیب، عید، کریم، رحیم، رجیم، عظیم، لئیم، کثیف، شریف، نجیب، حلیم، خبیر، جبیره، لیب، عشیق" همه "عربی" اند و متباقی همه "دری".

- "یای مجهول" :

که سست و ضعیف و به مانند "کسره ممدود" اداء میگردد؛ مثلاً در کلمات "پنیر، شیوه، میوه، خیوه، جیوه، دیو، سیب، اوریب، ریسمان، پشیمان، بید، سفید، امید، بیمار، بیدرد، بی اراده، بیدانه، بیراه، بی غیرت، بیواسطه، بی رقم، بیغم، تیغ، میغ، ستیغ، دریغ و غیره". حرف "یای مجهول" در "زبان عربی" وجود ندارد و عناصر و کلماتی که متضمن "یای مجهول" باشند، "عربی" نیستند!!!!!!

کلمات "بی اراده و بی غیرت و بی واسطه و بیرقم و بیغم"، ترکیبات "دری - عربی" اند، که متضمن پیوند پیشوند دری "بی" با کلمات عربی "اراده، غیرت، واسطه، رقم و غم" اند. "یاء" در کلمه عربی "غیرت" به نام "یای ملین" (نرم کننده) یاد میگردد.

در گذشته های نچندان دور در ماشین های تایپ دری، "یای مجهول" علامت مشخص خود را داشت که با دو نقطه "زیر به زیر" یا "سر به سر" در زیر کرسی "یاء" نمایش داده میشد. از زمانی که بازار تحریر و کتابت و نوشت و خوان ماشینی بدست برادران ایرانی ما افتید، علامت خاص "یای مجهول" را از صحنه "تحریر دری" هم کاملاً تبعید کردند و امروز نه در ماشین های تایپ معمولی و نه در تایپ کمپیوتری از آن اثری دیده میشود. در واقع ایرانیان نحوه خاص "فارسی" خود را در تحریر و کتابت بر "دری افغانستان" تحمیل کردند و این کاریست، که زیر عنوان "دیکتاتور زبانی و فرهنگی ایران بر قلمرو زبان دری" باید جلی ساخته شود!!!!!! امید است که روزی افغانان "وطنخواه"، "فرهنگ اندیش"، "دری پسند" و "دری گرا" قادر گردند، تا این حرف خاص و مشخص را در "الفبای دری"، دوباره زنده نموده و این نقیصه مشهود و بیرحم "زبان مکتوب دری" را مرفوع گردانند. همچنان برای "واو مجهول" علامت مشخصه ای را وضع نمایند، تا در هنگام تحریر و کتابت، دیگر جفائی بر کلمات متضمن "واو مجهول" روا داشته نشود!!!!!!

جای بس خوشنودی و سرفرازیست که "زبان گفتار و محاوره دری" - که اصل و محک و معیار "زبان دری" هم هموست - هم "یای مجهول" و هم "واو مجهول" را با جدیت و قاطعیت تام و کامل، محفوظ نگهداشته است!!!!!! دانشمندان دلسوز برای زبان ارجمند "پشتو" در قسمت تشخیص انواع پنجگانه "یاء" - که "یاء های معلوم و مجهول" را نیز در بر میگیرند - سعی بلیغ به خرج داده و "الفبای زبان پشتو" را ازین جهت آراسته و تندرست ساخته اند. البته لازم است که در "زبان تحریر پشتو" نیز علامه فارقه ای برای "واو مجهول" وضع گردد!!!!!!

- "واو معروف" :

که شدید و صریح تلفظ میشود؛ مثلاً در کلمات "غول، زود، بوت، توت، خوب، ایوب، بروت، قروت، جالوت، فانوس، آبنوس، پنتوس، روس، چلوس، جلوس، حسود، کبود، عبوس، عنود، عروس، دیوث، سالوس، فاروق، ولوع، جنون، جنوب، کنون، روح، نوح، قاموس، جاسوس و غیره". کلمات "غول، ایوب، جالوت، فانوس، جلوس، حسود، عبوس، عنود، عروس، دیوث، سالوس، فاروق، ولوع، جنون، جنوب، روح، نوح، قاموس، جاسوس" یا خود "عربی" اند و یا "غیر عربی" که در عربی با همین طرز تحریر، استعمال میگردند.

- "واو مجهول" :

که سست و ضعیف اداء میگردد؛ مثلاً در کلمات "جوی، روی، بوی، موی، سوی، روباه، بویا، پویا، گویا، جویا، زویا، هنوز، روز، تنور، شوخ، دوغ، دروغ، کوچ، انبوه، اندوه، ترسندوک، زردنبوک، لافوک، جوش، خروش، خاموش، دوش، سروش، و غیره". چنانکه می بینیم، در این کتگوری، لغات "عربی" قطعاً دیده نمیشوند و آن بخاطر اینست که در زبا عرب "واو مجهول" اصلاً وجود ندارد. **بلی؛ زبان تازی فاقد "یای مجهول و واو مجهول" است!!!!!!**

هر دو قسم "یاء" و "واو" در روزگاران قدیم در زبان "فارسی و دری" رایج بوده، که خوشبختانه به عین شکل تا به امروز نیز در "دری افغانستان" پابرجا و استوار مانده اند. اما در زبان "فارسی امروز" ایران - و خصوصاً در زبان معیاری آن - تنها "یاء" و "واو معروف" وجود دارند و از "یاء" و "واو مجهول" اثری نمانده است. در کشور ایران همان حیوان درنده ای را که گویا پادشاه جانوران یا سلطان جنگل خوانده شده، هم sheer تلفظ میکنند و نیز آن مایع سفیدی را که از پستان پستانداران ماده بدر میگردد. ایرانیان هم نبات و گیاه معروف "سیر" را که برادر خوانده "پیاز" است seer تلفظ میکنند و نیز صفت "سیر" را که مقابل "گرسنه" است.

درین عرصه مگر باید به یک گوشه درست در فارسی ایران اشارت گردد، که در دری ما به انحراف رفته است: لغات "موضوع" و "طلوع" و "رجوع" و "شروع" و "شورای" را در فارسی ایران با "واو معروف" تلفظ میکنند که کاملاً درست و مطابق به قاعده عربی است. اما در دری افغانستان هم "موضوع" و هم "طلوع" و هم "رجوع" و "شروع" و "شوری" را با "واو مجهول" اداء مینمایند، که نادرست است. "موضوع" بر وزن "معلوم" و "مقتول" و "مودود" و "معشوق" اسم مفعول عربی و اصلاً در معنای "وضع شده" است. "طلوع" و "رجوع" و "شروع" اصلاً بر وزن "خروج" و "دخول" و "شمول" و "وضوح" و "جلوس" و "حدوث" و "نبوغ" و "بلوغ" و "قدوم" و "ثبوت" و "غیرهم" و "شورا" - که در دری ما بر وزن "جویا" و "گویا" تلفظ میگردد و در اصل عربی با "الف مقصور" نوشته میشود - همه به "واو معروف" اند، چون چنانکه در بالا مکرراً گفته شد، در زبان عربی "واو مجهول" اصلاً وجود ندارد، همان قسمی که زبان تازی "یای مجهول" را نیز نمی شناسد.

یک نکته آخرین باید حتماً گفته شود، که اگر نشود حق مطلب اداء نگردد :

دلیل "درست تلفظ کردن" کلمات اخیر در فارسی ایران ازینروست، که ایرانیان امروزه روز، "واو مجهول" را نمی شناسند. یعنی اگر در فارسی ایران "واو مجهول" وجود می داشت، معلوم نبود که ایشان این لغات را صحیح تلفظ میکردند، یا نه. یعنی که :

"در خانه ماندن بی بی از بی چادریگی است!!!!!!"

توضیحات :

- ۱ - "قضا فلکی" اصطلاح عامیانه دری کابلی و در معنای "تصادفا" است، که معمولاً به حیث "قید" و به ندرت در هیئت "صفت" استعمال میگردد. اصطلاح مُعادل دیگر عامیانه کابلی ترکیب "خدائی" است، که در فارسی ایران "خدا وکیلی" گویند. البته میتوان معادل های دیگری نیز برای ترکیب "قضا فلکی" ارائه کرد، از قبیل "به روی تصادف" ، "بر حسب تصادف" ، "اتفاقاً" ، "بر سبیل اتفاق یا تصادف" ، "از اتفاقات الهی" و غیرهم. اگر "قضا فلکی" را در هیئت "صفت" بپذیریم، معنایش "تصادفی" و "اتفاقی" و امثال آن خواهد گردید.
- ۲ - "بی چادریگی" اصطلاح عامیانه دری کابلی - "اسم معنی" و یا "اسم مصدر" از صفت ترکیبی "بی چادری" - است، که در معنای "بی چادری بودن" استعمال میگردد. "در خانه ماندن بی بی از بی چادریگی است" ضرب المثل مشهور کابلیست و به شرحی نیاز ندارد.